

## رسائل

مجله فقهی-حقوقی مجتمع فقه، حقوق و قضای اسلامی  
سال نهم- شماره اول- پیاپی یازدهم- پاییز و زمستان ۱۴۰۲  
صفحات ۱۰۳ تا ۱۲۰

الیاس نوروزیور\*

noorrelias@gmail.com

# تبیین مفهومی و مصداقی دو عنوان «منافی عفت» و «رابطه نامشروع» در فقه و حقوق

## چکیده

دو عنوان «منافی عفت» و «رابطه نامشروع» از عناوین مجرمانه مهمی هستند که در قانون تعزیرات، مورد استفاده قرار گرفته و در ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵، جرم‌انگاری شده‌اند؛ اما مفهوم و گستره مصداقی این دو عنوان مجرمانه، روشن نبوده و قضات با تفاسیر مختلفی که از این ماده دارند، آراء متعددی را صادر کرده‌اند.

پژوهش حاضر، با بررسی مواد مختلف قانونی، از جمله ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب و نیز بند ۲ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مباحث حقوقی و نظرات فقها، ضرورت رجوع به اصل ۱۶۷ قانون اساسی را در تبیین این دو عنوان محرز می‌داند. بر این اساس مفهوم معیار در منافی عفت و رابطه نامشروع عملی است که موجب شکسته شدن حریم‌ها در امور جنسی و جسمی منجر به گناه و فساد شود؛ خواه فیزیکی و جسمی باشد یا اعم از آن. از منظر این پژوهش، تفاوت بین دو عنوان یادشده، صرفاً در وجود رابطه در یکی از آنها است و به این ترتیب، تکلیف مصداقی مبهم و مورد اختلاف، همچون رابطه پیامکی عاشقانه بین زن و مرد نامحرم، روشن شده و چنین اعمالی، مجرمانه دانسته می‌شود.

## کلیدواژه‌ها

منافی عفت، رابطه نامشروع، عفت عمومی، حریم خصوصی، آزادی‌های مشروع، ماده ۶۳۷

\* دانش پژوه مدرسه عالی قضاوت و طلبه سطح عالی حوزه علمیه قم.

## مقدمه

در ادبیات کیفری ایران از مفاهیم مشابهی چون رابطه نامشروع و عمل منافی عفت استفاده شده است که از شایع‌ترین جرایم در نظام حقوقی ایران هستند. درباره این مفاهیم، این سؤال مطرح می‌شود که آیا رابطه نامشروع با عمل منافی عفت، متفاوت است یا قانون‌گذار، این دو عبارت را از باب تفنن در عبارت‌پردازی به دنبال یکدیگر بیان کرده است؟ (جوانمرد، رویه‌های قضایی و نظریه‌های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع ۱: ۳۹ و ۴۰) و آیا این اعمال، شامل روابط غیر فیزیکی نیز می‌شود یا خیر؟ قانون‌گذار در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، بیان می‌دارد: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا، از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تانود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود».

ماده مذکور از چالش برانگیزترین مواد در قوانین کیفری است که منشأ رویه‌های قضایی مختلفی بوده است؛ به عنوان مثال، دادگاه بدوی شعبه ۱۱۵۸ دادگاه عمومی جزایی تهران به شماره دادنامه ۹۰۰۹۳۲-۹۱/۱۱/۹ بر تحقق جرم رابطه نامشروع از طریق ارتباط مجازی استوار گردیده است؛ در حالی که رأی دادگاه بدوی شعبه ۱۰۴۸ دادگاه عمومی جزایی تهران به شماره دادنامه ۱۰۱۰۰۴-۹۱/۸/۲۷ اشعار دارد که ارتباط تلفنی، سبب تحقق جرم رابطه نامشروع نمی‌گردد (به نقل از سایت پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه جامع پردازش و انتشار آراء قضایی به آدرس <http://raay.ijri.ir>. در تاریخ ۱۳۹۹/۴/۱۷). اداره حقوقی قوه قضاییه به عنوان بازوی مشورتی قضات نیز نظریات مختلف و متعارضی را در این خصوص ابراز نموده است؛ مانند نظریات شماره ۷/۳۴۹۲-۷/۸-۱۳۸۸ که می‌گوید: «ارتباط تلفنی از مصادیق رابطه نامشروع دانسته شده و طبق قانون مجازات اسلامی، قابل پیگرد است» و نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷۹-۱۳۶۳/۳/۲-۷/۹۷۹ اداره حقوقی قوه قضاییه که می‌گوید: «مکاتبه عاشقانه جرم نیست» (جوانمرد، همان ۱: ۳۹ و ۴۰). به عبارت دیگر، بحث در عنصر مادی ماده ۶۳۷ است که قانون‌گذار دو عنوان «رابطه نامشروع» و «عمل منافی عفت» را توأمان و صرفاً با بیان دو مثال، جرم‌انگاری نموده است، بدون ارائه هر

گونه ضابطه‌ای که بتوان به وسیله آن، حکم مصادیق مشکوک و مستحدثه رامعین نمود. پژوهش حاضر با این نگاه که عنصر زمان و مکان در فهم این دو عنوان مؤثر است و با توجه به مباحث حقوقی و دیدگاه فقها، تلاش دارد تا مفهوم و ضابطه‌ای در این خصوص ارائه نماید که باعث روشن شدن هر دو عنوان مذکور شده و حکم مصادیق دیگری، همچون دوچرخه سواری زنان با پوشش مناسب، به کار بردن الفاظ رکبیک و جنسی، رابطه پیامکی همراه با الفاظ عاشقانه بین دو نفر، مصافحه زن و مرد نامحرم حتی بدون قصد التذاذ جنسی و موضوعاتی از این قبیل، روشن گردد. برای تبیین این دو عنوان، نخست معنای لغوی و برخی استعمالات قرآنی آنها و سپس تعریف و تفاوت‌های این دو عنوان را از منظر حقوقی و سپس فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در نهایت، بتوان حکم مصادیق مشکوک و مبهم را مشخص نمود.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. معنای لغوی عفت

واژه «عفت» در کتب لغوی دارای معانی متعددی است؛ از جمله کتاب العین و کتاب لسان العرب می‌گویند: «العفة الکفّ عمّا لایحِلُّ، و یجْمَلُ» (فراهیدی، ۱: ۹۲ و ابن منظور ۹: ۲۵۳). همچنین معجم مقاییس اللغة عفت را چنین معنا نموده است: «العفة الکفّ عمّا لاینبغی» (احمد بن فارس ۴: ۳). برخی کتب لغوی دیگر نیز عفت را به همین معنای ذکر شده دانسته‌اند (حمیری، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم ۷: ۴۳۱۰). به اعتقاد دهخدا نیز عفت، ترک شهوات است در هر چیز؛ پارسائی و احتراز از محرّمات، خصوصاً از شهوات حرام و همچنین از حرام بازیستادن (دهخدا، لغت نامه ۱۰: ۱۵۹۷۴). می‌توان همه این معانی را به یک معنای کلی بازگرداند و عفت در لغت را به معنای خودداری از چیزی که برفرد حلال و شایسته نیست، دانست.

### ۱-۲. مفهوم عفت و اعمال منافی عفت در قرآن

قرآن کریم در ارتباط با اعمال منافی عفت صرفاً در چند آیه، از واژه «زنا» یا واژه‌ای هم‌ریشه با آن استفاده کرده است؛ به عنوان نمونه، در آیه ۳۲ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّیْنٰی اِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً وَّ سَاءَ سَبِیْلًا». این واژه در آیاتی، همچون آیه ۶۸ سوره فرقان و آیه ۲ و ۳ سوره نور نیز آمده است. در آیاتی دیگر، از واژه‌های «فحشا»، «فاحشه» و «فواحش» استفاده شده است؛ به عنوان مثال، در آیه

۱۶۹ سوره بقره می فرماید: «إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ». همچنین این واژگان در آیه ۲۴ سوره یوسف، آیه ۱۹ و ۲۱ سوره نور، آیه ۲۸ و ۴۵ سوره عنکبوت، آیات ۱۵، ۱۹، ۲۲ و ۲۵ سوره نساء و آیه ۱۵۱ سوره انعام نیز آمده‌اند.

برخی از مفسران معتقدند: «کلمه فواحش، جمع «فاحشه» است که به معنای کار بسیار زشت و شنیع است و خدای تعالی در کلام خود، زنا و لواط و نسبت زنا به مردان و زنان پاک دامن را از مصادیق فاحشه شمرده و از ظاهر کلام برمی آید که مراد از فاحشه ظاهری، گناهی علنی و مقصود از فاحشه باطنی، گناه سری و روابط نامشروع برقرار کردن در پنهان است» (طباطبایی، المیزان ۷: ۵۱۷ و قدسی، نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۵۶، ۶۷). صاحب تفسیر نمونه نیز ذیل آیه ۱۵۱ سوره انعام می نویسد: «فواحش، جمع فاحشه به معنای گناهی است که فوق العاده زشت و تنفرآمیز است. شک نیست که جمله «ما ظهر منها و ما بطن»، هر گونه گناه زشت آشکار و پنهانی را شامل می شود؛ ولی در بعضی از احادیث از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «ما ظهر هو الزنا و ما بطن هو المحاله»؛ یعنی منظور از گناه آشکار، زنا و منظور از گناهان پنهان، گرفتن معشوقه‌های نامشروع پنهانی و مخفیانه است. اما ذکر این مواد، به عنوان بیان یک مصداق روشن است، نه اینکه منحصر به همین مورد بوده باشد» (مکارم شیرازی ۶: ۳۴ و ۳۵). از دیدگاه مفسران دیگر نیز کلمه «فاحشه» در بسیاری از موارد، به همین اعمال منافی عفت اشاره دارد (محقق داماد، عمل منافی عفت در قرآن ۱۲).

در آیات مختلفی نیز به کلمه «عفت» اشاره شده است؛ از جمله، آیه ۳۳ سوره نور می فرماید: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» که این واژه در تفسیر انوار التنزیل (بیضاوی ۴: ۱۰۶) و الاصفی فی تفسیر القرآن (فیض کاشانی، ۲: ۸۴۵) به معنای تلاش در پاکدامنی و منصرف شدن از شهوت به واسطه ریاضت، معنا شده است. همچنین راغب اصفهانی در کتاب خود، معنای عفت را چنین بیان می‌دارد: «العفة حصول حاله للنفس تمتنع بها عن غلبه الشهوة»؛ یعنی عفت به معنای حاصل شدن حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن، از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۵۷۳).

## ۲. بررسی حقوقی منافی عفت و رابطه نامشروع

از آنجا که این دو عنوان صرفاً در بخش تعزیرات ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی بیان شده و نزاع در تفسیر و فهم ماده مذکور است، ابتدا، این ماده با توجه به نظرات حقوق دانان و تعاریف آنان از این دو عنوان و نسبت میان آنها از منظر ایشان بررسی می‌شود تا در ادامه، امکان انطباق دیدگاه آنان با فقه قابل ارزیابی باشد.

## ۱-۲. تعاریف حقوقی منافای عفت

قانون‌گذار با توجه به مستندات فقهی، عمل مجرمانه منافای عفت را جرم‌انگاری نموده است؛<sup>۱</sup> اما تعریف جامع و مانعی که حدود و ثغور آن را روشن نماید، ارائه نکرده<sup>۲</sup> و تنها مصادیق آن را ذکر کرده است. در نتیجه، عناصر تشکیل‌دهنده این نوع جرایم مشخص نیست. بر همین اساس، هر یک از حقوق دانان با توجه به برداشت‌های خود از قانون، این عمل را تعریف نموده‌اند که چند نمونه از این تعاریف را بیان می‌کنیم:

۱. هر گونه رفتار جنسی خارج از محدوده نکاح میان دو یا چند نفر که ناشی از غریزه جنسی باشد، خواه این التذاذ جنسی برای هر دو یا برای یکی از دو طرف باشد؛ رفتار مذکور، برخلاف رفتار معمول بوده و اکثریت مردم با انجام آن عمل همگامی ندارند (انصاری، روان‌شناسی جرایم و انحرافات جنسی، ۴۱).

۲. هر گونه روابط جنسی ناشی از تمایل زن و مرد با یکدیگر که از حد و مرز متعارف جامعه فراتر باشد؛ به نحوی که جامعه نتواند آن را غمض عین کند، بلکه به عنوان یک عمل ضد عفت و اخلاق عمومی، مردود و مستحق مجازات می‌باشد (ولیدی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی ۵۲).

۳. هر گونه رابطه جنسی و غیرمتعارفی است که وجود آن جز با زن و شوهر شرعی و قانونی مجاز نمی‌باشد (شامبیاتی، حقوق جزای عمومی ۳: ۵۴۴).

۴. ارتکاب امور جنسی شرم‌آور در عرف یک جامعه، بدون واقعه و یا شروع در آن. اگر برای واقعه و یا شروع در آن باشد، هتک ناموس است. در معنای عام، شامل همه آنها است؛ مانند تجارت یا

۱. با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی و جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و... باید براساس موازین اسلامی باشد.

۲. در ادامه خواهد آمد که تبصره ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، در راستای سیاست افتراقی دادرسی بوده و در مقام بیان تعیین مفهوم و معیار نیست.

توزیع صورت‌های خلاف عفت و اخلاق عمومی و تشویق به فساد جنسی و شهوت‌رانی. همچنین در مورد رابطه نامشروع بیان داشته است که «رابطه جنسی دو انسان در حوزه تحریم شارع، مانند زنا، لواط، تفخیز و جز اینها...» (جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق ۶۸۸).

با توجه به تعاریف بیان شده، می‌توان گفت حقوق دانان بین دو عنوان رابطه نامشروع و عمل منافی عفت، تفاوتی ننهادند و تعاریف مذکور، در مقام بیان رابطه نامشروع بوده‌اند، نه عمل منافی عفت و صرفاً مواردی را شامل می‌شود که رابطه‌ای بین طرفین محقق باشد؛ بنابراین، اعمالی مانند دوچرخه‌سواری زنان با پوشش نامناسب را دربر نمی‌گیرد. همچنین بعضی از تعاریف، قصد التذاذ جنسی را نیز در تعریف لحاظ کرده‌اند و بنابراین، رفتارهای نامشروعی که طرفین، قصد التذاذ ندارند را دربر نمی‌گیرد؛ مانند مصافحه زن و مرد نامحرم با یکدیگر بدون قصد التذاذ. دایره بعضی از تعاریف نیز محدود و مضیق بوده و رابطه نامشروع را منحصر در رفتار فیزیکی می‌دانند که باعث می‌شود تا روابط غیرفیزیکی، از تعریف خارج شوند. اما وجه اشتراک تعاریف مذکور، دخالت و قضاوت عرف برای فهم این عنوان است. برای این اساس، تعاریف مذکور، شامل برخی مصادیق نمی‌شوند که در ادامه، تعریفی جامع و مانع از این دو عنوان بیان خواهد شد.

## ۲-۲. نسبت منافی عفت با رابطه نامشروع از دیدگاه حقوقی

در رابطه با تفسیر و نسبت سنجی ماده ۶۳۷ می‌توان به دو دیدگاه اشاره نمود؛ بنابر دیدگاه اول، روابط نامشروع، مترادف با عمل منافی عفت است و مثال تقبیل و مضاجعه به هر دو عنوان برمی‌گردد (طهماسبی، آیین دادرسی کیفری ۲: ۲۱۳) و طبق دیدگاه دوم، این دو عنوان، مترادف نبوده و مثال تقبیل و مضاجعه نیز فقط به منافی عفت برمی‌گردد (عابدی، آیین دادرسی کیفری ۳۹). طبق دیدگاه دوم، عمل منافی عفت با توجه به مثال تقبیل و مضاجعه، فقط ناظر به روابط فیزیکی است و عنوان رابطه نامشروع ناظر به روابط غیرفیزیکی است؛ اما طبق دیدگاه اول، روابط نامشروع و عمل منافی عفت مترادف بوده و با توجه به مثال تقبیل و مضاجعه، فقط ناظر به روابط فیزیکی هستند و روابط غیرفیزیکی در این ماده، جرم‌انگاری نشده است.

اثر هر یک از دو دیدگاه را می‌توان در تعقیب و صلاحیت محاکم و رویه‌های قضایی مشاهده نمود؛

به‌عنوان نمونه، در سی و هشتمین جلسه نقد آراء دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران با موضوع تبیین قلمرو و مصادیق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که در بهمن ۱۳۹۴ انجام شده است، نظر اکثریت قضات به این شرح بوده است: «موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، دارای دو قسمت است؛ نخست، رابطه نامشروع و دوم، عمل منافی عفت به غیر از زنا و قیود تقبیل و مضاجعه، تمثیلی برای قسمت دوم این ماده می‌باشد و جرم رابطه نامشروع به صرف برقراری رابطه‌ای که محتوای آن خلاف شرع باشد، محقق می‌شود و نیازی به تماس فیزیکی نیست (جوآنمرد، رویه‌های قضایی و نظریه‌های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع: ۱: ۳۹).

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریات متعدد خود در خصوص ماده ۶۳۷ ق.م. رابطه نامشروع و عمل منافی عفت را از یکدیگر جدا نمی‌داند؛ به‌عنوان مثال، در نظریه شماره ۷/۳۸۸۰ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۹ آورده است: «رابطه نامشروع در قانون، تعریف نشده است؛ مع هذا همان طور که از تعریف آن برمی‌آید، عمل دوجانبه، یعنی توافق زن و مرد اجنبی بر نوعی از روابط جنسی ناقص غیر از زنا و امثال آن است؛ بنابراین، صرف مکالمه تلفنی، قدم زدن در پارک، مکاتبه و... رابطه نامشروع به معنای یادشده به شمار نمی‌آید». بر اساس این نظریه، مثال ذیل ماده ۶۳۷ به هر دو عنوان بر می‌گردد و دو عنوان با یکدیگر مترادف هستند. همچنین این اداره در نظریه شماره ۷/۳۶۲۴ مورخ ۱۳۸۴/۶/۶ می‌گوید: «در تعریف جرایم منافی عفت می‌توان گفت جرایمی است که ناشی از روابط نامشروع و خارج از علقه زوجیت زن و مرد و بر حسب عرف و احساسات جامعه، قبیح بوده یا اعمالی است که شرع مقدس، ممنوع کرده و منافی عفت یا اخلاق عمومی جامعه است که از مصادیق آن، روابط نامشروع زن و مرد یا تظاهر به فسق در انظار عمومی است». (حداد زاده نیری، تحقیق در جرایم منافی عفت ۱۱۹: ۶۷). در این نظریات، رابطه نامشروع و عمل منافی عفت، معادل یکدیگر فرض شده‌اند.

با این وجود، نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۷-۱۳۹۱/۲/۱۸ اداره حقوقی به شرح زیر است: «سوال: در صورتی که خانمی (اعم از مجرد یا متأهل) از طریق تلفن با مرد نامحرم تماس‌های مکرر داشته باشد یا پیامک‌های عاشقانه یا شوخی‌های جنسی و یا ایمیل‌های متعدد با موضوع روابط جنسی به یکدیگر ارسال نمایند یا از طریق نرم‌افزارهای ارتباطی مجازی تحت موبایل با یکدیگر

روابط غیرمتعارف داشته باشند، آیا چنین مواردی، مصداق رابطه نامشروع یا اعمال منافی عفت موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ می باشد؟ پاسخ: صرف نظر از اینکه تطبیق موضوع و رفتار با حکم قانونی، وظیفه مرجع قضایی رسیدگی کننده است که با توجه به محتویات پرونده انجام می شود، ولی ارتباط تلفنی یا اینترنتی یا مجازی به این نحو، در صورت وجود سایر شرایط قانونی و با توجه به عرف محل، ممکن است رابطه نامشروع تلقی شود. طبق این نظر، رابطه نامشروع و عمل منافی عفت، جدای از هم در نظر گرفته شده اند و برخلاف نظریات قبلی اداره مذکور، رابطه غیرفیزیکی جرم دانسته شده است.

همچنین قانون گذار در سال ۱۳۹۴ در تبصره الحاقی به ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، جرایم منافی عفت را تعریف نموده است: «منظور از جرایم منافی عفت در این قانون، جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری، مانند تقبیل و مضاجعه است». نکته قابل توجه در این تعریف، قید «در این قانون است». برخی معتقدند این تبصره، قرینه ای برایین مطلب است که در ماده ۶۳۷، عمل منافی عفت و روابط نامشروع، مترادف بوده و هر دو ناظر به روابط فیزیکی هستند؛ بنابراین، رابطه غیرفیزیکی اصلاً جرم نیست. اما برخی دیگر معتقدند با توجه به قید «در این قانون»، نمی توان این تبصره را به ماده ۶۳۷ تسری داد؛ زیرا ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات، قانون ماهوی است و از «حیث ماهوی» در مقام بیان است، ولی تبصره ماده ۳۰۶ قانون شکلی است و از «حیث صلاحیت» در مقام بیان است؛ پس دو عنوان جدای از هم می باشند (عابدی، آیین دادرسی کیفری ۴۰).

ممکن است به نظریه کسانی که دو عنوان رابطه نامشروع و عمل منافی عفت را مترادف با هم می گیرند این گونه ایراد گرفت که قرینه لفظیه وجود دارد که قانون گذار بین آن دو فرق گذاشته و کلمه «یا» را آورده است و طبق قواعد لفظی، اصل بر تأسیس بوده و توصیف و یکی بودن دو عنوان، خلاف قاعده خواهد بود؛ بنابراین؛ می توان نتیجه گرفت که دو عنوان مستقل از هم بوده و مثال های ذیل عمل منافی عفت، بازگشت به رابطه نامشروع نمی کند. ممکن است گفته شود ماده ۶۳۷ بر اساس ماده ۱۰۱ لایحه تعزیرات سال ۱۳۶۲ تهیه و تنظیم گردیده و در ماده ۱۰۱ قانون مذکور، عبارت «رابطه

نامشروع» وجود نداشت؛ لکن در سال ۱۳۷۵ که قانون تعزیرات تهیه و تصویب گردید، عبارت «رابطه نامشروع» به ماده اضافه شد که حکایت از آن دارد که قانون‌گذار مواردی را جرم می‌داند که جرم‌انگاری آنها با عمل منافی عفت - که قراین نشان می‌دهد صرفاً فیزیکی - جسمی است - ممکن نبود. به بیان دیگر، می‌توان ادعا نمود که تلقی قانون‌گذار از منافی عفت، روابط فیزیکی بوده که عنوان رابطه نامشروع را اضافه نموده است.

البته برای احراز رابطه نامشروع، نباید آن را یک عنوان کلی دانست؛ بلکه عنوان رابطه نامشروع، مرکب از دو کلمه «رابطه» و «نامشروع» است. برای احراز عنوان رابطه نامشروع، ابتدا باید وجود رابطه احراز شود. رابطه، یک مفهوم عرفی است و برای فهم آن باید به عرف رجوع نمود. می‌توان رابطه را چنین تعریف نمود: «آنچه که دو تن را یا دو چیز را به هم پیوستگی و ارتباط دهد» (عمید، فرهنگ عمید ۵۲۸). در مرحله دوم باید به بررسی این امر پرداخت که آیا این رابطه، نامشروع است یا خیر؟ در واقع، پس از کشف وجود رابطه، باید نامشروع بودن آن احراز شود.

### ۳. بررسی فقهی منافی عفت و رابطه نامشروع

موضوع مهمی که باید مورد بررسی قرار گیرد، انطباق ماده ۶۳۷ که در مقام جرم‌انگاری دو عنوان رابطه نامشروع و عمل منافی عفت است، با ضوابط و معیارهای فقهی است و باید دید تعاریف، تفاسیل و تفاسیری که حقوق‌دانان از دو عنوان مذکور، ارائه کرده‌اند، چه نسبتی با فقه دارد؟ آیا این مباحث اصولاً صحیح و منطبق با اصول تفسیری متون قانونی و نیز نظرات فقها درباره موضوع این مواد هستند یا خیر؟ به همین منظور، تعاریف فقها از این دو عنوان و نسبت بین آنها از منظر فقهی بیان خواهد شد.

### ۳-۱. منافی عفت و رابطه نامشروع؛ عنوان فقهی یا روایی

در ارتباط با عنوان رابطه نامشروع و عمل منافی عفت، در ابواب مختلف فقهی صرفاً مصادیقی به صورت حصری بیان شده است؛ مانند زنا، لواط، تفخیز، قیادت، قذف، نزدیکی با بهائم، وطی اموات، استمناء، بوسیدن بر وجه حرام، خوابیدن تحت یک لحاف و اینکه کسی بکارت دختری را با انگشت از بین ببرد. قانون‌گذار برخی از این موارد را در بخش حدود، جرم‌انگاری نموده است؛

اما از آنجا که جرایم منافی عفت و رابطه نامشروع، برخاسته از سنت‌ها و عرف‌های اجتماعی و متغیر است، این جرایم، دارای مصادیق مشکوکی نیز هستند که شارع، بیانی خاص و جزئی درباره این‌گونه مصادیق ندارد. بنابراین، نخست باید به این سؤال پاسخ دهیم که آیا این دو عنوان، عنوان‌هایی فقهی و روایی هستند یا عناوینی عرفی؟ این بحث از آنجا اهمیت دارد که مشخص می‌کند آیا برای فهم و ارائه معیار، باید به فقه و روایات مراجعه نمود یا به لغت و ارتکازات و کتب غیرفقهی؟

آیت‌الله شبیری زنجانی از جمله فقهای است که این دو عنوان را عناوینی عرفی دانسته و معتقد است برای فهم آنها باید به عرف مراجعه کرد؛ به بیان دیگر، از آنجا که این دو عنوان، برخاسته از عرف اجتماعی است و عرف هر منطقه، متفاوت با سایر مناطق است، برای تعیین مصادیق مشکوک آنها نیز باید به فهم عرف عام منطقه رجوع کرد. ایشان در پاسخ به استفتائی مبنی بر اینکه آیا این دو عنوان، از عناوین روایی و فقهی هستند یا از عناوین عرفیه، چنین پاسخ داده‌اند: «دو اصطلاح مذکور، فقهی نیستند» (استفتاء مرکز آموزش‌های تخصصی فقه از دفتر آیت‌الله شبیری زنجانی، کد استفتاء ۱۴۰۳). آیت‌الله گرامی نیز از جمله فقهای است که این نظر را پذیرفته است (استفتاء مرکز آموزش‌های تخصصی فقه از دفتر آیت‌الله گرامی، کد استفتاء ۹۸/۹۰۷).

در مقابل این نظریه، برخی از فقها قائل به فقهی و روایی بودن دو عنوان مذکور هستند که با توجه به روایات و فهم دقیق از معیارهای آن، یا رجوع به عرف متشرعه می‌توان تکلیف مصادیق مشکوک را معین نمود. حضرات آیات مکارم شیرازی و علوی گرگانی قائل به این نظریه هستند (استفتاء از دفتر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، کد استفتاء ۹۸۰۸۰۸۰۰۸ و استفتاء از دفتر آیت‌الله العظمی علوی گرگانی، کد استفتاء ۱۴۳۲۸).

### ۲-۳. نظرات فقها در معنای منافی عفت

همان‌گونه که بیان شد، برخی از فقها سعی داشتند تا این مفهوم را روشن نمایند؛ از جمله، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در تعریف این عنوان بیان فرموده‌اند: «به اعمالی که برخلاف پاکدامنی و طهارت باشد، اعمال منافی عفت اطلاق می‌شود» (استفتاء از دفتر آیت‌الله العظمی مکارم

شیرازی، کد استفتاء، ۱۰۰۱۸۰۷۰۹۸). همچنین حضرت آیت الله علوی گرگانی این عنوان را چنین تعریف کرده است: «هر گونه عملی که برخلاف سیره متشرعه، در روابط اجتماعی باشد یا برخلاف دستورات اخلاقی و عملی صادره از اهل بیت علیهم السلام باشد و در سطح جامعه موجب شکسته شدن حریم‌ها در امور جنسی و جسمی، حتی بین محارم شود یا موجب اباحه‌گری در جامعه شود؛ عمل منافی عفت است» (استفتاء از دفتر آیت الله العظمی علوی گرگانی، کد استفتاء، ۱۴۳۲۸). با ملاحظه تعاریف مذکور، می‌توان گفت برای تشخیص این عنوان، دو ملاک وجود دارد؛ ملاک اول، رجوع به عرف متشرعه در روابط اجتماعی است و ملاک دوم، رجوع به دستورات اخلاقی و عملی شرع مقدس. شاید بتوان گفت در مورد مصادیق روشن، ملاکات شارع می‌تواند حکم را روشن نماید؛ لکن در مصادیق مشکوک، که بر حسب عرف و جامعه متغیر است، عرف متشرعه می‌تواند راهگشا باشد.

### ۳-۳. نظرات فقها در معنای روابط نامشروع

فقها در تعریف رابطه نامشروع با یکدیگر اختلاف نظر دارند و ریشه آن، اختلاف آنان درباره رابطه فیزیکی و جسمی است که آیا چنین رابطه‌ای، در تحقق عنوان نامشروع، شرط است یا خیر؟ برخی از فقها در تعریف رابطه نامشروع گفته‌اند: هرگونه رابطه بین زن و مرد نامحرم که منجر به گناه یا فساد شود، روابط نامشروع صدق می‌کند؛ گرچه غالباً به زنا اطلاق می‌شود و اعم از تماس جسمی است، مثل مکالمه عاشقانه (استفتاء از دفتر حضرت آیت الله علوی گرگانی، کد استفتاء ۱۴۳۲۸). این گروه از فقها، تماس فیزیکی و جسمی را در تحقق عنوان نامشروع، شرط نمی‌دانند؛ بلکه هر عملی که لذت جنسی داشته و نوعاً موجب تحریک جنسی شود یا مفسده و معرضیت در فتنه را به دنبال داشته باشد را برای تحقق این عنوان، کافی می‌دانند؛ بنابراین، حضور فیزیکی بین دو نفر شرط نیست و به عبارت دیگر، گرچه مصادیق بیان شده در فقه برای این عنوان به صورت جسمی و فیزیکی است، لکن با توجه به پیشرفت‌های امروزی و امکان ارتباط غیر فیزیکی بین دو نفر، تحقق رابطه نامشروع ممکن است؛ زیرا آنچه اهمیت دارد، مفسده و در معرضیت فتنه است، نه حضور فیزیکی.

تأکید بر این نکته می‌تواند موثر باشد که صرف صحبت کردن تلفنی بین دو نامحرم و یا حضور فیزیکی دو نفر در کنار یکدیگر، سبب تحقق عنوان رابطه نامشروع نمی‌گردد؛ بلکه این ارتباط باید

به گونه‌ای باشد که برای نوع مردم، ایجاد مفسده و وقوع در گناه را فراهم نماید. از قائلین به این نظر می‌توان به حضرات آیات علوی گرگانی، مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی اشاره نمود (استفتاء از دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی، کدرهگیری ۹۸۰۷۰۱۰۰۱۸؛ استفتاء از دفتر آیت‌الله صافی گلپایگانی، کدرهگیری ۱۳۰۱۳۱ و استفتاء از دفتر علوی گرگانی، کدرهگیری ۱۴۳۲۸). ایشان در پاسخ به سؤال، بودن زن و مرد در یک محیط کاری که گاهی مستلزم خلوت با نامحرم، مأموریت و مسافرت با هم، خنده و شوخی و مسائلی از این قبیل باشد، عنوان رابطه نامشروع را محرز دانسته‌اند (گنجینه استفتائات قضایی، کداستفتاء ۸۵۰۵).

در مقابل، عده‌ای دیگر از فقها، همچون آیت‌الله شبیری زنجانی و آیت‌الله محفوظی، تعریفی محدود از این عنوان ارائه کرده و آن را از عناوین عرفیه می‌دانند و معتقدند بر فرض وجود این عنوان، مختص به امور جسمی و فیزیکی مذکور در فقه خواهد بود. به عقیده ایشان، برای صدق این عنوان، رابطه جسمی فیزیکی، شرط است (استفتاء از دفتر آیت‌الله محفوظی، کدرهگیری ۱۲۰۲۹۱) و مواردی، مانند استفتاء مذکور و رابطه پیامکی عاشقانه دختر و پسر و موارد دیگر را اگر (عملی) باشند که مفسده دارد یا موجب تحریک شهوت شود یا نوعاً محرک باشد یا خوف وقوع در حرام در آن باشد، جایز نمی‌دانند؛ ولی از نظر عرف نیز عنوان رابطه نامشروع بر این روابط، صدق نمی‌کند. در همین راستا، آیت‌الله محفوظی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه مراد از رابطه نامشروع چیست، می‌فرماید: «به هر نوع جرم فیزیکی جنسی، مثل زنا و مقدمات آن، رابطه نامشروع و به اعم از آن، مثل چشم‌چرانی، اعمال منافی عفت گویند» (گنجینه استفتائات قضایی، کداستفتاء ۸۵۰۵ و استفتاء از دفتر آیت‌الله محفوظی، کدرهگیری ۱۲۰۲۹۱).

طبق نظریه نخست، امکان تعقیب و رسیدگی مرتکبین طبق بخش تعزیرات ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی وجود دارد؛ زیرا عنوان رابطه نامشروع محرز است. اما طبق نظریه دوم، نمی‌توان مرتکبین را تحت ماده مذکور تعقیب نمود؛ زیرا گرچه فرد، فعل حرامی انجام داده است، اما با قبول این مبنا که بنای قانون‌گذار بر عدم رجوع به فقه در تعزیرات است، عنوان رابطه نامشروع، محرز نشده است.

### ۳-۴. نسبت بین رابطه نامشروع و منافی عفت از منظر فقه

با توجه به مطالب پیش گفته، می‌توان گفت از منظر فقها، رابطه بین منافی عفت و رابطه نامشروع، عموم و خصوص مطلق بوده و اعمال منافی عفت، اعم از رابطه نامشروع است؛<sup>۱</sup> چراکه در روابط نامشروع، حتی اگر مخفیانه باشد، وجود رابطه بین دو نامحرم، موضوعیت دارد، اما در عمل منافی عفت، رفتار جنسی خلاف شرع، موضوعیت دارد و به عبارت دیگر، باید رفتار شخص به تنهایی، مخالف پاکدامنی باشد. بخش تعزیرات ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، این دو عنوان را برای زن و مردی که علقه زوجیت بین آنها نباشد، به کار برده است؛ یعنی این ماده، تفکیکی بین رابطه نامشروع و عمل منافی عفت قرار نداده است. در حالی که بیان شد که در عمل منافی عفت، رابطه وجود ندارد؛ بلکه اگر امور جنسی و مخالف عفت با دو نفر محقق گردید، از موارد رابطه نامشروع است و در غیر این صورت، از موارد منافی عفت خواهد بود. این در حالی است که بیان دو عنوان توسط قانون‌گذار، اثری در بر ندارد؛ زیرا صرف عبارت «رابطه نامشروع» وافی به مقصود بوده و نیازی به عنوان «منافی عفت» نیست.

### ۴. معیار تعزیر در اعمال منافی عفت و رابطه نامشروع

در این بخش، به پاسخ این سؤال پرداخته می‌شود که معیار جرم‌انگاری در موضوعات منافی عفت و رابطه نامشروع که با آبروی شهروندان مرتبط است، چیست؟ به عبارت دیگر، آیا هر عمل حرام و منافی عفت یا رابطه نامشروعی را باید جرم‌انگاری نمود و برای آن تعزیر معین کرد؟ البته بحث تفصیلی و تعیین کامل حدود و ثغور این مسأله، خارج از موضوع این نگارش است؛ اما به طور کلی، می‌توان گفت مبنای تعزیر در ارتکاب محرمات که اعمال منافی عفت یا رابطه نامشروع، یکی از مصادیق آن است، چند قاعده فقهی مستند به روایات است که مفهوم آنها اینست: «من ارتکب حراما او ترک واجبا لم یعیّن الشارع فیه الحد، فللام او نائبه تعزیره بما دون الحد بحسب رأیه». فقها درباره مدلول این روایت، دیدگاه‌های مختلفی ابراز نموده‌اند و دیدگاه پذیرفته این است که هر عمل قبیحی که مفسده دارد - اعم از اینکه ترک واجب باشد یا ارتکاب حرام، صغیره باشد یا کبیره و

۱. به هر نوع جرم فیزیکی جنسی، مثل زنا و مقدمات آن، رابطه نامشروع و به اعم از آن، مثل چشم‌چرانی، اعمال منافی عفت گویند. (استفتاء از دفتر آیت الله محفوظی، کد استفتاء ۱۲۰۲۹۱).

همچنین اعم از اینکه کار مباحی باشد که قبح عقلایی پیدا کرده و سبب فساد و اخلال شده باشد۔ رامی توان تعزیر نمود. شهید اول معتقد است: «تعزیر، متناسب با جنایت و جرمی است که واقع شده است؛ اگر کوچک و حقیر باشد، تعزیر آن نیز کم است؛ چون تابع مفسده است و به همین دلیل، فعل صبی اگر مفسده داشته باشد، تعزیر دارد و نیز فعل مجانین» (عسکری، ضابطه جرم‌انگاری در متون فقهی و مواد قانونی با تکیه بر قاعده «التعزیر لکل عمل محرم»، رسائل ۵ و ۶).

آنچه بیان شد، جهت ارائه ضابطه جرم‌انگاری در مقام قانون‌گذاری بود؛ در مقام تعقیب و رسیدگی‌های قضایی، مقام قضایی در مواردی مانند چشم‌چرانی و نگاه به نامحرم که از مصادیق اعمال منافی عفت بوده و می‌توان براساس ذیل ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، مرتکب آن را مجازات نمود و مواردی، مانند رابطه پیامکی عاشقانه دختر و پسر که مصداق رابطه نامشروع در نظر برخی از فقها است، باید در محدوده قانون و مطابق ماده ۱۰۲ آیین دادرسی کیفری صورت پذیرد و مقام قضایی نمی‌تواند به طور مستقل، اقدام تحقیقی را انجام دهد. در همین راستا، استفتائی از حضرات آیات فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی صورت گرفته است که لازم است به آن توجه نمود: «سؤال: تحقیق از مسایل شخصی و خانوادگی و یا مفسد اخلاقی افراد، چه حکمی دارد؟ پاسخ: در صورتی که در خفا انجام گرفته است، جایز نیست» (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله فاضل لنکرانی، احکام و فتاوا، جامع المسائل، سوال ۲۱۹۳). در سؤال دیگری آمده است: «چنانچه مأموران انتظامی گزارش نمایند که اشخاصی در منزل مسکونی خود در حال ارتکاب اعمال منافی عفت هستند، آیا قاضی محکمه می‌تواند مجوز ورود به محل را صادر نماید؟ پاسخ: مادامی که به صورت یک توطئه و فساد گسترده در نیاید، ورود به محل و تجسس جایز نیست» (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی، مرکز پاسخ‌گویی به احکام شرعی و مسائل فقهی).

### نتیجه

قاضی، مرجعی است که باید مصادیق جرایم منافی عفت را به طور دقیق، مشخص کند. با توجه به مجازات‌های لحاظ‌شده برای جرایم منافی عفت و با عنایت به اینکه در جامعه کنونی، برداشت‌های مختلف و متفاوتی از این نوع جرایم وجود دارد، بهتر بود که قانون‌گذار کلیه جرایم

منافی عفت را با دقت تعیین و معرفی کند و یا حداقل، ضابطه‌ای ارائه می‌داد تا به کمک آن بتوان این نوع جرایم را تشخیص داد. با توجه به مطالب بیان شده و با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و همچنین مواد مختلف قانونی، ضرورت رجوع به فقه جهت تبیین و روشن شدن محدوده دو عنوان «رابطه نامشروع» و «اعمال منافی عفت» روشن می‌گردد.

از منظر فقهی، منافی عفت عبارت است از هر عملی که مخالف سیره متشرعه یا برخلاف دستورات اخلاقی و عملی صادره از معصومین بوده و موجب شکسته شدن حریم‌ها در امور جنسی و جسمی گردد. فقها در تعریف رابطه نامشروع بایکدیگر اختلاف نظر دارند. عده‌ای این عنوان را شامل هرگونه رابطه بین دو نامحرم می‌دانند که سبب لذت جنسی بوده و نوعاً موجب تحریک جنسی و مفسده و معرضیت در فتنه باشد و عده‌ای دیگر، این عنوان را منحصر در مصادیق ذکر شده در فقه، مانند زنا و لواط می‌دانند که ناظر به رابطه غیرشرعی فیزیکی است و مواردی مانند رابطه پیامکی عاشقانه بین دو نامحرم، گرچه حرام است، ولی عنوان مذکور را بر آن صادق نمی‌دانند. به عبارت دیگر، عمل منافی عفت و رابطه نامشروع، اعمالی هستند که مخالف دستورات شرع مقدس در محدوده جنسی بوده و تنها تفاوت بین این دو عنوان را می‌توان به وجود رابطه دانست؛ ولی تفکیک قانون‌گذار بین دو عنوان در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، تأثیری ندارد؛ زیرا صدر ماده مذکور، این دو عنوان را مقید به دو نامحرم نموده و عنوان رابطه نامشروع می‌توانست همه اعمال غیرشرعی و مورد نظر قانون‌گذار، اعم از رابطه فیزیکی و غیر فیزیکی، را دربرگیرد. مراد از منافی عفت بین زن و مرد نامحرم در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات نیز همان رابطه نامشروع است.

براین اساس می‌توان گفت مواردی چون به کار بردن الفاظ رکیک و فحش جنسی، تماشای فیلم‌های مبتذل، دوچرخه سواری زنان در اماکن عمومی، چشم‌چرانی، حضور جمعی از مردان و زنان در یک جشن بدون حفظ حجاب و به صورت نیمه‌عریان، منافی عفت هستند و اگر به صورت علنی اتفاق بیافتد، می‌توان براساس ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، جرم دانست. همچنین مواردی همچون مبدل پوشی و پوشیدن لباس جنس مخالف و حیوان دوستی

نیز از مصادیق اعمال منافی عفت نخواهند بود. مواردی چون خلوت کردن زن و مرد نامحرم، مصافحه زن و مرد نامحرم هرچند بدون انگیزه والتذاذ جنسی و رابطه پیامکی (مکاتبه) زن و مرد نامحرم به صورت عاشقانه و مهیج و نیز مکالمه زن و مرد به صورت شهوانی و مهیج، از مصادیق رابطه نامشروع بوده و می‌توان این موارد را نیز براساس ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، جرم دانست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. آخوندی، محمود. «اثبات جرایم منافی عفت از نگاهی دیگر»، مجله مطالعات راهبردی زنان، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۲۲.
۲. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم. لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: نشر دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ه. ق.
۳. احمد بن فارس بن زکریا ابوالحسین. معجم المقاییس اللغه، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۰۴ ه. ق.
۴. استفتاء مرکز آموزش های تخصصی فقه از دفتر حضرت آیت الله صافی، آبان ۱۳۹۸، شماره اتوماتیک ۱۳۰۱۳۱، شماره دفتری ۷/۸/۹۸.
۵. استفتاء مرکز آموزش های تخصصی فقه از دفتر حضرت آیت الله شبیری زنجانی، مهر ۱۳۹۸، شماره ۱۴۰۰۳.
۶. استفتاء مرکز آموزش های تخصصی فقه از دفتر حضرت آیت الله گرامی، مهر ۱۳۹۸، شماره ۹۸/۹۰۷.
۷. استفتاء مرکز آموزش های تخصصی فقه از دفتر حضرت آیت الله محفوظی، مهر ۱۳۹۸، شماره ۱۲۰۲۹۱.
۸. استفتاء مرکز آموزش های تخصصی فقه از دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی، کد رهگیری ۹۸۰۷۰۸۰۰۵۷-۹۸۰۸۰۸۰۰۸۴-۹۸۰۷۰۱۰۰۱۸.
۹. استفتاء مرکز آموزش های تخصصی فقه از دفتر حضرت آیت الله علوی گرگانی، آبان ۱۳۹۸، شماره ۱۴۳۲۸.
۱۰. انصاری، مسعود. روان شناسی جرایم و انحرافات جنسی، انتشارات اشراقی، ۱۳۷۱.
۱۱. برهانی، محسن، صوت تدریس، مرکز آموزش های تخصصی فقه، تابستان ۹۶.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر. انوار التنزیل و اسرار التاویل، چاپ اول، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ه. ق.
۱۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، احکام و فتاوا، جامع المسائل: <http://www.lankarani.com/far/bok/view.php?ntx=037029#0587>.
۱۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی، مرکز پاسخ گویی به احکام شرعی و مسائل فقهی: <https://makarem.ir/ahkam/fa/home/istifta/>، ۲۶۵۶۲۴/.
۱۵. پژوهشگاه قوه قضائیه، سامانه جامع پردازش و انتشار آراء قضایی: [raay.ijri.ir](http://raay.ijri.ir).

۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.
۱۷. جوانمرد، بهروز، «رویه‌های قضایی و نظریه‌های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع»، دوفصل نامه رویه قضایی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱.
۱۸. حدادزاده نیری، محمدرضا، «تحقیق در جرایم منافی عفت»؛ مجله حقوقی دادگستری، پاییز ۱۳۸۸، شماره ۶۷.
۱۹. حمیری، نشوان بن سعید. شمس العلوم ودواء الکلام العرب من الکلام، چاپ اول، بیروت: نشر دارالفکر المعاصر، ۱۴۲۰ ه. ق.
۲۰. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۶.
۲۲. شامبیاتی، هوشنگ. حقوق جزای عمومی، انتشارات روزین، ۱۳۷۷.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. تفسیر المیزان، چاپ چهاردهم، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، زمستان ۱۳۸۰.
۲۴. طهماسبی، جواد. آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۶.
۲۵. عابدی، احمدرضا. آیین دادرسی کیفری، نشر مرکز آموزش قوه قضاییه، چاپ اول.
۲۶. عسگری، رضا. ضابطه جرم‌انگاری در متون فقهی و مواد قانونی با تکیه بر قاعده «التعزیر لکل عمل محرم»، مجله رسائل، زمستان ۹۴ و بهار ۹۵، شماره ۵ و ۶.
۲۷. عمید، حسن. فرهنگ عمید، چاپ هجدهم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ه. ش.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ ه. ق.
۲۹. فیض کاشانی، ملاحسن. الصافی فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ه. ق.
۳۰. قدسی، سیدابراهیم، «نقد و بررسی ماده ۶۲۷ قانون مجازات اسلامی»، مجله مطالعات اسلامی، بهار ۱۳۸۴، شماره ۶۷.
۳۱. محقق داماد، سیدمصطفی، «عمل منافی عفت در قرآن»، مجله تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۴۳.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، چاپ بیست و یکم، چاپخانه فروری، ۱۳۷۸.
۳۳. نرم‌افزار گنجینه استفتائات قضایی، پژوهشگاه قوه قضاییه.
۳۴. ولیدی، محمدصالح، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۴ ه. ش.